

File No.

1856-57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS.

Proc.
Serial No.

Files of SIRAJU'AH AKHBAR.

Vol. 12; no. 11; May 31, 1856.

Subject

News about the Moghul Court at Delhi.

Foll. 4; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$. (Printed).

Previous References.

Later References.

شیراز سراج الاخبار

من تبادلی می شنبه شب ششم رمضان المبارک ۱۲۸۵ هجری مطابق سی کم می ماه شمس جمادی الثانی دوم سوال المکرم

اجبار در بار جهان می از حضرت سید جمالی خلیفه الرحمانی فرزند خان

عالیشان کورکانی عراق دو دمان کله نشان صاحب قلمی خلد ملکه

جهان مومسنم خورد او داد عشرت

آنستور کلمه زین مهر بر باد نیکون سبزه نیا
 که خسرو شیر نیز و نماز شجکا ہی کند رمانه نایم
 اللدوله بباد را شست نبض شناسی
 بخشیدن و امرای حصار را بر خست زراخته
 اداب و کورش بباد را ان نشان ریانی صیغه
 و جو بارانختی و علمداری نیز بر فتنه قریب
 نصف النهار استراحت گاه را رونق
 خورد و قره زین داده پیشین و عصر خوانند
 معروض رسید که زرشکیش خدام محل در
 خزانه عامه گردید و غلام احمد خان سپه
 سینه و ششده سی سه رو و پنجاه تازنه و صد و شصت
 کلید خانه بخازن و الایستینه فرمودند که

حسب معمول تقسیم کار خانجات و مشرقا
 بعد از آنکه از یازده تا چهار ملاحظه قطعات متوا
 یکا شسته موکوی قطب الدین خان موکوی
 شاه احمد سعید و غیره که مقدمه روت
 بلال ماه رمضان المبارک و جواز اظهار
 غره سوال نیز و بخشیدن فرمودند که اگر
 یوم چهارشنبه روت بلال عید باشد پاسب
 اید و عیاد نباشد رو عید یوم الفجر منفر
 دیز این شهرت محاور جامع مسجی نموده شود
 جناخه نبدگان و ملازمان کار بند حکام
 حضور گردیدند و حسب معمول خرام
 اللدوله بباد را به سعادت بار ریانی ششم

یوم یکشنبه سبب و م

بعد ادای نماز بباد احترام الله و له بباد را
 شرف بنفس شناسی بخشیده مسند همانجا
 راستند حضار را بر جهاندار ادا بگوش
 بجا آورده بسیار صاحبقرانی استیادند
 معتبر الله بباد در چای پاشش کجواب
 طیار گنا بنده ملاحظه قدس در آورد
 و بخشیدن یک زوج و پیشانی قبولان
 ترا و ادا بگوشش بباد را نپذیرفتند
 و ملاحظه قطعه عرضه شدت امین الله و له بنا
 مع نقل صورت حال عدالت فوجدار
 و اینخاص نقشه سفید و زر خان
 بنام تپه حسنخان مدعی علیه شعر اذکار
 مدعی علیه شفاخانه بسبب عرضه جنون
 و همیا بودنش و ارمان آن در قطعه سبب
 با استدعای صد در حکم بکار برد از آن
 خلافت فرمودند که بری خانه نقشه مذکور
 معرفت بر عدل بباد در تحریر کرد و بعد از آن
 داخل ایوان شهر یاری شدند نصف
 النهار هنگام قبول گاه آرام فرستادند

باید ای نماز پیشین و دیگر شغال و نشین
 خوانده بخوری احترام الله و له بباد و دیگر
 اراکین بانگین متوجه باغ کجبری نظارت
 کشنده دور کرده نظارت زدوق افروز
 کرده بکلیله قص و سره و توانان خوشن
 شدند به پذیرش نذر و خوانا مصالحه
 و شبته عطر و گلزار یکدرا بنده نظارت خان
 مراصبت به بیع خانه و استند و غیر مرزا کوهر
 بباد و بخواه سلاطین حاضر شدند و اراکین هم
 حاضر گشته و بر روی صند عقد مباح سپر
 مرزا رحمت نجبت بباد را با صبیبه مرزا ناوخت
 منعقد شد و صحایل کلهای یاسمین ببه حاضر
 منقسم کرده بعد از آن رونق افزای شین
 شهر یاری گشته فقط

یوم دوشنبه سبب و م

بناشرت با شیر صبح فرقیه بگاد مودانم
 احترام الله و له بباد را بر نفس شناسی گام
 نمودند بعد حضار در بار و عهده ساری
 و تو زک رکاب بر جنت نواخته ملاحظه

قطعه شش مرتبه دارالانشاء نام من الدوله
 بادریغ نقل عوضی مزار احمد سلطان و مزار
 محمد سلطان و مزار صفدر سلطان و مزار
 سلطان بیکم و غوغه لیسران و دختران
 نواب رتبه سلطان چو غوغه تخراب داران
 یکصد و شصت رست روپه چهار از چهار
 که از جمله صد و سی چهار روپه شست اند
 پایی موسوم رتبه سلطان بیکم نام این
 حیدر دارخان از خزانه بنارس مقرر شده
 من بجای او که مقتضای فرید
 و دختران سی اوله و بطنی رتبه سلطان بیکم
 از خزانه کلکتری دلی زود تر روانه نماید
 و نقل شقه بناد و عوضی سایرین بنیاد
 مزید توضیح حال لقیف آن کند مسجد
 خاص شده برای چرا حکم سرشته دادند
 که نشستن ادا و کو نشن کجیت مبادر
 و قلعه راه راه زبانی محمد و دیگر بار
 ابایی عا فرموده نصف النهار هنگام
 استراحت نموده مادای نماز شب
 و دیگر اشغال و نشستن عصر گذارند
 ازین تا عصر حضور کے نوزک

رکاب و حاضرین عقیدت مابین
 سیر و گلگشت شد و بعد ساعتی
 مراجعت بدولتخانه فرموده داخل
 کاشانه اقبال گردیدند و همین وقت
 اقوام الدوله مبادر را یاد نمودند فقط
یوم شنبه است
 به نوزد نشن تقار و صبحکامی ادای فریضه
 نمودار نموده احرام الاوله مبادر را مساعد
 بنص شناسی دادند بعد سینه رای
 بدینا نشن کو نشن مبادر را
 عمل سبحان حاضر نشن در زمانی نیم اللو
 سبحان دوران غزل طبع را در خاص
 پذیریش ادا و کو نشن کجیت مبادر
 و قلعه راه راه زبانی محمد و دیگر بار
 ابویان و نشان شده نصف النهار
 هنگام با استراحت گاه ارام نموده
 شبین و عصر خواننده ازین تا نوزک
 حضور کے حاضرین متوجه سیر و تقوی
 زبر بهر کو نشن و انرا بنجاب طرف
 باغ قد سیر رونق افروز گشته تا نوزک

یوم شنبه است

را برای رویت طلال عید صحت معمار عالی
 اطراف دینی روانه فرمودیشام گاه
 مراجعت کردند و بهر گاه با احترام الدوله
 مبارک و نظارت خان درجه قبولان
 و دیگر اراکین و امکاران دو غل
 خاص شدند قریب شب با قمانه
 عوضی قاضی شهاب الدین ساکن
 و عوضی تبار دار علی پور عوض
 با وصف کمال معاینه نمودند
 مست و نیم میضام و دیگر مردمان
 و جزه رویت حال سینه نشد
 بنابر اطلاع معروضه شده نظر
 انور گذشت فقط
یوم چهارشنبه است ایضا
 ساعت دهم فلک فرضیه بگاه گذاره
 احترام الدوله مبارک را شرف
 شناسایی نفس مقدس دادند و
 در باره حسب معمول ببارگاه جهان
 حاضران و آداب و کورنش معروض

ساختند حضور لامع النور و ساده اقبال
 مار استه و غزل طمع زاد خاص سبح
 میایون بزبان نغم الدوله آه آه
 دادند که فردا علی الصباح اراکین ذی
 بر در دولت حاضر شوند
 نیفت و تقابست سواری معاصفا
 حیدر رونق از آن خواه کردید مسجد
 دو گانه عید مورد خواه گفت باید
 فرودش و سایبان و غیره مرتب کرد
 بعد از پیش آداب و کورنش
 نهی شتر سواریان با در قمار برای
 ماه شوال حسب حکم روانه اطراف
 شهر روانه شدند بر وقت داخله
 ابوان ایشان نصف النهار هنگام
 استراحت گاه را بقدم منبت نرم
 آرایش بخشیده بشمن ادا کردند
 حضور می نوزکی رکاب و عهد سواری
 و اراکین عبودیت ماب برآه شده
 سیر و تفریح و کلکشت سینه زاران
 رو و بار شده هنگام شام مراجعت
 نموده و در انامی سواری از مردمان

مرزا ظهیر الدین ببادر و کوفه اندازان
 با همه کفر فساد و بی خاشی کز کعبه غویز
 مدح بنا بر بنیه کوفه اندازان بود و خدا
 بنام میر عدل ببادر حکم قضا توام باز
 صد و راکند که تحقیقات انبغی نماید
 بوقت نبوت جرم مجرمان را علیه خود
 بروض سینه که طلال عید کردن بشیم
 هم ساخته تفت عید سعید از لب
 عبودیت طلب می سازد حکم شرین
 و توای تشک مبارک به میر انص
 صادر شد فقط

یوم پشینه غره سوال الکریم

دی که کلید زرین طلال عید فضل در دخت
 لب صامین در کشاد خسر و انجم دست
 مغرب در دست گرفته با سیاد شهنشاه
 دین پناه بعد نماز فریضه بگاه نبض شناسی
 با احترام الدوله ببادر بخشیده لباس کنیز
 بر تن ارکستند بعضی حضوری قره باجره
 خلافت غره ناصیه سلطنت مرزا محمد جویان

ببادر و مرزا ظهیر الدین بخت ببادر و مرزا
 بعبودیت ببادر و مرزا بخت و مرزا پناه ببادر
 و دیگر فرزندان نامه و امرای سلطنت
 و به عیان حضرت مثل معتبر الدوله ببادر
 و احترام الدوله ببادر و سبین الدوله و زنگنه
 پنهان و سرافراز الدوله کلبان و علیخان
 و شمس الدوله و نجفی بخت و خان و سولوز
 سولوی بوسف علیخان میر عدل ببادر
 و سعید الدوله و کیلی دربار و نجم الدوله
 محمد اسد خان و قار الدوله محمد سید خان
 و دیگر امرای جانبشان و ارکان مشایخ
 بر سر پر کردن نظر جلوه افروز گشته
 بمرگانی نوانبیا با برگاه جهان پناه بر
 ادای دو کانه نماز عید الفطر متوجه مسجد جویان
 واقع قلعه میهنی کوه دینه و در صحن دیوانعام
 سپید میان پلاش شایه چون مسد شدند
 صفوف شده و اتواب تند رخروش
 استاده بر وقت جلوه آرای بخت ببادر
 عام تشک سلامی و توابع اسلامی بجا آورد
 بقیام مصلاهی خاص مسجد بخت از محبت
 با کرامت مسلمین دو کانه عید سودا کردند با تمام

b

خلیفه خطیب خلعت معمولی مع سیر و شمشیر
 در برده بخشیدند و نیز خلع بیسی سنگین
 و امام عید گاه و جامع مسجد عطا شدند و در
 خضر سلطان متولی مسجد مدوح خلعت
 قبای کجواب و دستار سرسبز و کوشواره
 زرین نواختند بعد از آن بگو که اقبال
 بهمان شوکت و جلالت مراعت نموده
 به یون خاص سیر بر آرمی بهایانی
 گشته فرزند آن خاص مثل کوهرا کابل
 کوهر خلافت همین پور سلطنت مزراغ
 الملک و لیعهد بهادر و
 و مرزا محمد جوان نخب بهادر و مرزا
 ظهیر الدین نخب بهادر و بزه و سلاطین
 با تکلیف و خوارین دولت تهنیت و سبک
 گویند و در عید موداساختند از جنگا
 جهان نیامی حسب دستور ستم خلعت
 و میرزا جهاندار شاه متولی مسجد جامع
 خلعت قبای کجواب و دستار سرسبز و
 تهنیت الدوله فضل الله خان دروغه
 مسجد مدوح و خلعت سه پیرجه بر حفظ
 امیر بخش عش باز داروغه کبوتر خانه

عنایت نمودند شاعران غرافضا نسبت
 خواننده درین اثنا کوهر فرودش با چو شمشیر
 سبحان زبان حسان دوران بدله سج معاف
 شهسوار عروسه کتفه دانی طوطی شکرین مغالی
 بیمل مضح میان صاحب کجالی قصیده مرصع
 تهنیت عید که روح نظیری و ظهوری بر هر
 شعر الفاظ و مضامین رنگینش نشا میشد
 پیشگاه ادب بر خواند صدای مر جبار کتیر
 در بار برخواست و درج کوشش مستمان
 بدرای شاهوار سخنان آراست لبکه
 مطبوع طبع هاپون افتاد حکم طبع اشش
 به صلح الدوله مولوی شتار علیخان صدر پادشاه
 بعد خوان با نیجه و امی زبان و سیره و غره
 پوار شمشیر سلطنت و امین الدوله بهادر
 و قلعه بهادر و بقعه ماصره خلافت
 و دیگر بر خواران کامکار و امرای عالمقدر
 مرحمت فرموده داخل ابوان شهر کاسه
 کردید و بهمن وقت ملاحظه دو قطعه عشی
 امین الدوله بهادر یکسج نقل رو بکار علی
 دیوانی و بیخاص و اصل طلاعیالی سفده
 بهاری لالی موسوسه مرزا کبیر الدین بهادر در علی

بحر الادب و کماله شتارین

بدست خواست ثبت اطلاعاتی در دو محلی بمکه
 و اطلاعاتی در مقداد خان مدعی علمیه غالب
 و سمانه افضل النساء میر مغلوب بروض
 نجر بر اطلاعاتی فرمودند که ثبت اطلاعاتی
 هر دو اطلاعاتی محبات معرفت میر عدل بهادر
 حسب رشته تحریر کرد نصفت النهار
 هنگام نعمت پیری مانده طعام گشته
 قبله گاه روار ایش دادند با دایمی خان
 تبسم و دیگر اشغال و تبسم حضوران
 آخرین نهار بروض حضور کے نزدیک
 رکاب و علامه عقیدت اتساب برآید
 متوجه سیر و تفریح گردید شاه گاه
 مراجعت نموده از دیو دی حواصی پر
 داخل شبستان ارم بنیان شدند
 و حسب معمول احترام الدوله بهادر را
 یاد فرمودند فقط

یوم جمعہ دوم سوال

بادای سنن فریضه یوم دینیه احترام الدوله
 بهادر را نبض شناس فرموده کسری

ارامی دیوان خاص شدند حضار در
 شمل معتبر الدوله بهادر و معین الدوله
 نظارت خان و شمس الدوله نجفی
 نجف خان و سرافراز الدوله کتیاں
 خان و نجم الدوله محمد اسعد الدوله خان
 و قار الدوله خلیفه اسمعیل خان سیف
 الدوله و کیل دربار و میر عدلی بهادر
 و سعید الدوله بهادر و شوین الدوله
 و اعظم الدوله محمد مصطفی خان کب
 بوس خلافت گشته اداب و کورنش
 سودا نمودند و صفوت یمن و پارتی
 در بار جهان دار سود استادند
 درین اثنا اهلکاران علاقه بخشیدند
 و در کفرا نندند زبیر حسب معمولی گوهر
 اکیل جهاد رسی در التاج خلافت و سهر
 معین بوس سلطنت مرزا محمد سلطان
 فتح الملک شاه و بیهد بهادر حاضر گردید
 اداب شاهی بجا آورده بایه فر صاف
 قیام نمودند حکم عطفون شیم شرف نفاذ
 که جمیع اراکین و اهلکاران دیوان عام زنده
 به مرزا و بیهد بهادر زنده و معمولی گذارند

چنانچه جمیع زندگان کار بند حکم والا کشته
 بعد شیندن سرودتوالان بار بند زار
 از در برنا سته داخل مشکوی خسرو کشته
 به بند برین آداب کور نشین بیدران دشمنان
 نصف النهار شیکام لذت پیری مایه طعام
 کردیه قیلوله گاه راسته بادای کازیشتر
 و دیگر اشغال دلنشین عصر گذاردند ازین
 نهار برای ملاحظه سب باور قار بر آید
 بر کسی ز برین جلوه اراکشته نمیدای مغرب
 کخصوری احترام الدوله بباد داخل کاشا
 خلافت شدند قریب بیستم ساعت
 سه و سرفراز کشتن جانانی مزارع
 نسخ الملک شاه ولیعهد بباد روح بیکم
 برای ادای نذر شریف استیلام کعبه
 والا رنده در بافته مرضی کردیدیم لفظ
قطعه وقار الدوله محمد علی خان
خلف الصدق سلطان
الشعر اخا قالی بند ابریم
خان ذوق
مرحوم

قطعه
 ای سراج الدین بباد شاه گردون بارگاه
 نیراقبال سی تیری جهان پر نور
 لعل کاساغوسی لاله باوه ہی تک مبار
 سر و کشتن مثل مینا شی می انکور
 جلوه ارای من گل رشک خساری
 سج و خم شاخ سنبلی رشک لطف خود
 کیا تعجب گر رشک گل شکفته هو که آج
 غنچه تصویر بهی کو یاد دل سرور
 لطف سی ہی تیری سیکوی جابه سازی بهیار
 زخم بر سر گل کی شبنم مرهم کافور
 ده تیری سرکار عالی ہی که جسمین خسرو
 ایندگری سکندر کاسه کرفغور
 تیری ساد کوزمانه استدر ہی پیشین
 جیح بر انجم نین ہی خانه زبور
 کیا لکهی فلق تیری اوصاف صبری زبان
 اب تیری حجبین نقطه او سکود شطرنج
 تازمین بر ہی فلک اور همین فلک زهر و ماه
 چشم مهر و ماه تا شام و سحر پر نور
 عید فرخ هوشها تجلو همیشه ز رخ
 روشن تاب تجسی چراغ خانه تیمور